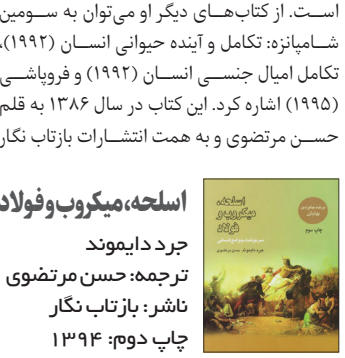




نقش بیماری‌های همه‌گیر در شکل‌گیری تاریخ

● کرونا بزرگ‌ترین بحران بشری را بعد از جنگ جهانی دوم پدید آورده است. آبله، آنفلوآنزا، سل، مالاریا، طاعون، سرخک، وبا و ایدز همچون کرونا بیماری‌های عفونی‌ای هستند که از بیماری‌های حیوانات تکامل یافته‌اند. بزرگ‌ترین شیوع بیماری در تاریخ انسان مربوط به شیوع آنفلوآنزا بود که ۲۱ میلیون نفر را در اواخر جنگ جهانی اول کشت. مرگ سیاه (طاعون خیارکی) یکچهارم از مردم اروپا را بین سال‌های ۱۳۴۶ و ۱۳۵۳ میلادی از پای درآورد و میزان تلفات در برخی شهرها تا ۷۰ درصد جمعیت بود. از آنجا که این بیماری‌ها بزرگ‌ترین قاتلان انسان‌ها بوده‌اند، از عوامل تأثیرگذار

بر تاریخ محسوب می‌شوند. تا زمان جنگ جهانی اول، اغلب قربانیان جنگ از میکروب‌هایی که در زمان جنگ ایجاد می‌شد، می‌مردند نه از زخم‌های نبرد. تمامی تاریخ عالی جنگ‌ها که به ستایش ژنرال‌های برجسته می‌پردازند، حقیقی را که به غرورشان صدمه می‌زند، نادیده می‌گیرند؛ فاتحان جنگ‌های گذشته همیشه ارتش‌هایی نبودند که بهترین ژنرال‌ها و اسلحه‌ها را داشتند، بلکه اغلب صرفاً ارتش‌هایی بودند که حاصل خطرناک‌ترین میکروب‌ها برای انتقال به دشمنان خود بوده‌اند. از وحشتناک‌ترین نمونه‌های نقش میکروب در تاریخ می‌توان به تسخیر قاره آمریکا به دست اروپایی‌ها اشاره کرد که با سفر کلمب در سال ۱۴۹۲ آغاز شد. اگرچه قربانیان بومی آمریکایی که از سوی فاتحان اسپانیایی کشتار شدند، بشمار بودند، اما قربانیان میکروب‌های مرگ‌بار اسپانیایی بسیار بیشتر بودند. کتاب «اسلحه، میکروب و فولاد» تاریخچه مختصر زندگی انسان را در ۱۳ هزار سال گذشته و چگونگی شکل‌گیری جوامع امروز را از طریق فتوحات، بیماری‌های همه‌گیر و قوم‌کشی بررسی می‌کند. نویسنده کتاب، جرد میسون دایموند مؤلد سال ۱۹۳۷ در ایالات متحده، زیست‌شناس تکامل‌باور، فیزیولوژیست و جغرافی‌دان ایست. وی مؤلف جزئیات از آثار علمی‌اش در ۱۳ اقدامات انسان‌شناسی، زیست‌شناسی، زبان‌شناسی، ژنتیک و تاریخ را در هم آمیخته است. معروف‌ترین اثر وی همین کتاب است که برنده جایزه پولیتزر شده است. از کتاب‌های دیگر او می‌توان به سومین شامپانزه: تکامل و آینده حیوانی انسان (۱۹۹۲)، تکامل امپال جنسی انسان (۱۹۹۲) و فروپاشی (۱۹۹۵) اشاره کرد. این کتاب در سال ۱۳۸۶ به قلم حسن مرتضوی و به همت انتشارات بازتاب نگار



به فارسی ترجمه شد. خسرو پارسا نیز مقدمه‌ای درباره کتاب و نویسنده‌اش نوشته و در آن به مسئله عقب‌ماندگی اجتماعی مانند ایران از آینده مباحث کتاب نگریسته است.

این کتاب تلاشی است برای توضیح اینکه چرا تمدن‌های اوراسیا و شمال آفریقا موفق به تسخیر یا مقاومت در برابر دیگر تمدن‌ها شده‌اند و در عین حال، تلاش در رد اعتقادی می‌کند که سلطه اوراسیا را به برتری اروپایی‌ها و آسیایی‌ها از لحاظ اخلاقی، ذاتی، ژنتیکی و فکری نسبت می‌دهد. نویسنده استدلال می‌کند شکاف در قدرت و فناوری بین جوامع انسانی در تفاوت‌های زیست‌محیطی ریشه دارد. در مواردی که تفاوت‌های فرهنگی یا ژنتیکی به نفع اوراسیایی‌ها عمل کرده است (برای مثال، دولت متمرکز در چین، یا مقاومت ژنتیکی در برابر بسیاری از بیماری‌ها در میان اوراسیایی‌ها)، این مزیت‌ها فقط به دلیل تأثیرات جغرافیایی به وجود آمده‌اند و در ژن اروپایی و آسیایی ریشه ندارند. دایموند توضیح می‌دهد تقریباً همه دستاوردهای بشری (علمی، هنری، معماری، سیاسی و…) در قاره اوراسیا رخ داده است. مردم قاره‌های دیگر (جنوب صحرا آفریقا، بومیان آمریکا، بومیان استرالیا و جنبه و ساکنان اصلی مناطق گرمسیری آسیای جنوب شرقی)، به طور گسترده‌ای مغلوب و چاه‌جا شدند و در برخی موارد مثل بومیان آمریکا و استرالیا عمدتاً از بین رفته‌اند. دلیل اولیه این سلطه اوراسیایی‌ها برتری‌های نظامی و سیاسی آنهاست که خود ناشی از پدیده‌ش زود هنگام کشاورزی در میان این اقوام پس از آخرین عصر یخبندان بوده است. عنوان کتاب اشاره‌ای است به عواملی که به وسیله آنها اروپایی‌ها با وجود تعداد نفرات کمتر ملت‌های دیگر را مغلوب کرده و سلطه خود را حفظ کرده‌اند. سلاح‌های برتر مستقیماً به برتری نظامی منجر می‌شوند (اسلحه)، بیماری‌های اروپایی و آسیایی جمعیت‌های بومی را تضعیف کرده و کاهش داده، باعث می‌شوند اعمال کنترل بر آنها راحت‌تر شود (میکروب) و دولت متمرکز ناسیونالیسم را ترویج داده و بستری برای سازمان‌های قدرتمند نظامی به وجود می‌آورد (فولاد). کتاب از عوامل جغرافیایی استفاده می‌کند تا نشان دهد چگونه اروپایی‌ها چنین تکنولوژی برتر نظامی‌ای تولید کرده‌اند و چرا بیماری‌هایی که اروپایی‌ها و آسیایی‌ها نسبت به آنها از حدی ممنونیت برخوردار بودند، جمعیت‌های بومی آمریکا را ویران کردند. اوراسیا پس از آخرین عصر یخ شانس برخورداری از ویژگی‌های مطلوب جغرافیایی، اقلیمی و زیست‌محیطی را باور داده است.

درباب وضعیت اپیدمی

آن هم بی‌فایده است. بعضی‌ها هم تقصیر همه‌چیز را به گردن مکرون نگون‌بختی می‌اندازند که صرفاً دارد وظیفه خود را در مقام رئیس دولت، آن‌هم نه بدتر از هر همتای فرضی‌اش، در دوران جنگ یا اپیدمی انجام می‌دهد. دیگری هم هستند که با های‌وهوی فراوان از رخدادی بنیان‌گذار یک انقلاب بی‌سابقه سخن می‌گویند که نسبت آن با نابودی یک ویروس هنوز مبهم است -انقلابی که حتی «انقلابیون» مدنظرمان نیز هیچ راه و روش تازه‌ای برای تحقق آن پیشنهاد ندهاده‌اند. در این میان، برخی نیز در ورطه یک بدبینی آخرالزمانی افتاده‌اند. باقی هم از این واقعیت سرخورده‌اند که اینجا دیگر قانون طلایی ایدئولوژی معاصر، یعنی «اول من، هیچ نفع و بهره‌ای ندارد، کره از کاری نمی‌کشاید و حتی ممکن است در مقام یک شریک جرم ظاهر شود و نگذارد شر این ویروس به این زودی‌ها از سرمان کم شود.

به نظر می‌رسد چالش اپیدمی همه‌جا دست‌به‌کار زائل‌کردن فعالیت و کارکرد ذاتی خرد است و سوزه را واداشته تا به دامان همان دست مضامین و پدیده‌های غم‌انگیزی- مانند افسانه‌یافی، پیشگویی و لعن و نفرین- بازگردد که هنگام فراگیری طاعون در قرون وسطا مرسوم بود. به همین اعتبار، احساس می‌کنم به نوعی ملزم به آن هستم تا در ادامه ایده‌های ساده‌ای را در کنار هم مطرح کنم؛ ایده‌هایی که با مسرت آنها را دکارتی می‌نامم.

بگذارید با تعریف مسئله آغاز کنم؛ مسئله‌ای که تعریف به‌شدت بد و نادرستش اغلب به مواجهه‌ای ناشیانه با آن منجر شده است. پیچیدگی یک اپیدمی از این واقعیت ناشی می‌شود که همواره نقطه اتصال تعیین‌های طبیعی و اجتماعی است. بنابراین تحلیل کامل آن باید ناظر بر نقاط تقاطع باشد؛ باید به نقاط تقاطع این دو تعیین بی برد و برآیند آنها را آشکار کرد. برای مثال، نقطه اتکای اولیه اپیدمی جاری را باید به احتمال زیاد در بازارهای استان ووهان جست. بازارهای چینی به کثیفی و آلودگی خطرناک‌شان و میل مهارناپذیری شهروند این کشور، به هیچ عنوان و اقسام حیوانات زنده و تلنبارشده روی یکدیگر در فضای باز دارند. در همین بازارها بود که ویروس در زمانی نامعلوم و در محیط عمومی مترکم و شلوغی ظاهر شد که به‌سختی واجد ابتدایی‌ترین شرایط بهداشتی بود؛ آن‌هم در کالبد حیوانی که خود ویروس را از خفاش به ارث برده بود.

به این طریق، خط سیر طبیعی ویروس از گونه‌ای به گونه‌ای دیگر عاقبت به سمت گونه انسان حرکت می‌کند. اما دقیقاً چگونه؟ هنوز پاسخ این سؤال را نمی‌دانیم و فقط پژوهش‌های علمی است که می‌توانند آن را آشکار کنند. پس بگذارید در این بین، به طور ضمنی همه اتانسی را به یاد بیاوریم، که با اتکا به تصاویری ساختگی، دست‌به‌کار انتشار آنلاین داستان‌های دروغین نوعاً زناپرستانه‌ای هستند که منشأ همه این دردسرها را خوردن خفاش‌های بیجان‌ان از سوی چینی‌ها عنوان می‌کنند. واقعیت آن است که انتقال محلی بین گونه‌های حیوانی که دست آخر به نوع بشر رسیده، رمنشأ همه این قضایاست. پس از آن صرفاً با عملکرد ساده یکی از داده‌های بنیادین جهان معاصر رویاروییم؛ رشد و ارتقای درجه، یا به بیان دیگر، حضور پرشور و عالم‌گیر سرمایه‌داری دولتی چین در عرصه بازار جهانی. بیامد آن نیز شبکه‌های بشمار انتشار ویروسی بود که تا پیش از موقیعت دولت چین در قرنطینه کامل نقطه شروع بیماری، یعنی استانی با جمعیت ۴۰میلیونی، آشکارا در حال تاخت‌وتاز بودند -قرنطینه‌های که عاقبت با موفقیت اما اتقدر دیر انجام شد که نتوانست مانع از عزیمت جهانی اپیدمی در مسیرهای خاکی، آبی و هوایی شود.

در اینجا باید به جزئیات گویای آنچه من مفصل‌بندی مضاعف اپیدمی می‌نامم، توجه کنیم: امروز سارس ۲ در ووهان مهار شده است، اما موارد ابتلای بسیاری در شانگهای گزارش شده که عمدتاً ناشی از ورود مسافران خارجی و بازگشت اتباع چینی است. به همین اعتبار، چین همان جایی است که می‌توان پیوند بین فصل مشترک سلامت جامعه در بازارهای نابسامان را با انتشار سیاره‌ای این سرمنشأ ویروسی مشاهده کرد، پیوندی که طرف اول آن به دلایلی منسوخ ناشی از سنت‌های کهن بوده و دومی به دلایلی مدرن و امروزی، به بازار جهانی سرمایه‌داری و اتکای آن به تحرک و سیلان پرسرعت و بی‌وقفه محول شده است.

تازه پس از این وارد مرحله‌ای می‌شویم که دولت‌ها به صورت محلی تلاش می‌کنند جلوی انتشار ویروس را بگیرند. بگذارید به‌اجمال خاطرنشان کنم اراده دولت‌ها برای جلوگیری از انتشار ویروس اساساً در سطح محلی باقی می‌ماند، درحالی‌که این اپیدمی مرتز را در می‌کند. واضح است با وجود برخی تهدادهای قدرتمانی، این دولت‌های بورژوازی به سازمان زین و رمز و رازهایش متوسل می‌شوند که

● تلخ: ۲۲ • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۰۲۶۱۲۲۸۶۰ • تلفن آگهی‌ها: ۰۸۸۹۴۲۰۳۵ • تلفن امور مشترکین: ۰۸۸۹۰۲۵۴۸



کنند. تازه برعکس، این گروه‌ها تا همین اواخر و درست هنگامی که اپیدمی در مسیر آمدن از چین بود، جمععات کنترل‌نشده و تظاهرات پرسروصداي خود را لوی بازار جهانی درمی‌آید -برای مثال می‌دانیم امروزه سرهم‌کردن ساده یک تلفن همراه مستلزم بسج نیروی کار و منابع، ازجمله منابع معدنی در دست‌کم هفت کشور متفاوت است. یا همه این اوصاف، قدرت‌های سیاسی هنوز که هنوز است اساساً ملی باقی مانده‌اند. رقابت بین امپریالیسم قدیم (اروپا و ایالات متحده) و جدید (چین، ژاپن و…) نیز در را به روی هر آن فرایندی بسته است که می‌تواند به تاسیس یک دولت سرمایه‌داری جهانی منجر شود.

پس اپیدمی همچنین لمحهای است که تقاض بین اقتصاد و سیاست بی‌برده افشا می‌شود. حتی کشورهای اروپایی نیز نتوانستند سرس بزنگاه از پس تطبیق سیاست‌هایشان در رویارویی با ویروس برآیند. دولت‌های ملی که دستخوش چنین تناقضاتی هستند، تلاش می‌کنند با رعایت حداکثری سازوکارهای سرمایه به مواجهه با وضعیت اپیدمی بروند؛ هرچند ماهیت خطر آنان را ناگزیر از جرح و تعدیل سبک و کنش‌های قدرت کرده است.

از دیرباز می‌دانیم هنگام وقوع جنگ بین کشورها، دولت باید به منظور نجات سرمایه‌داری محلی، نه- فقط چنانکه انتظار می‌رود بر توده‌ها، بلکه بر خود بورژوازی نیز الزامات و محدودیت‌هایی چشم‌گیر اعمال کند. برخی صنایع فقط به دلیل آنکه تولید افسارگسیخته تسلیحات مستقیماً هیچ ارزش اضافی قابل تبدیل به پولی ایجاد نمی‌کنند، تا آستانه دولتی‌شدن پیش می‌روند. بسیاری از بورژواها در مقام افسران نظامی بسیج می‌شوند و در معرض خطر مرگ قرار می‌گیرند. دانشمندان شبانه‌روز کار می‌کنند تا اسلحه جدید اختراع کنند. تعداد بسیاری از روشنفکران و هنرمندان نیز موظف به تأمین جریان پروپاگاندای دولتی و جز آن می‌شوند. در رویارویی با اپیدمی نیز این قسم نگاه‌های دولت‌سالار اجتناب‌ناپذیر است، به همین دلیل و بر خلاف آنچه گفته می‌شود، اظهارات مکرون یا نخست‌وزیر ادوارد فیلیپ درباره بازگشت «دولت رفاه»، اختصاصی بوجه برای حمایت از بی-کاران یا کمک به افراد خوداشغالی که مغازه‌هایشان بسته شده است، تقاضای ۱۰۰ یا ۲۰۰ میلیارد یورو از خزانه دولت و چه‌بسا اعلام «ملی‌سازی» صنایع، هیچ‌کدام در واقع تعجب‌آور یا متناقض‌نما نیستند.

این نشان می‌دهد استعاره مکرون درست است: «ما در حال جنگیم». در جنگ یا اپیدمی، دولت ناچار است به منظور اجتناب از وقوع فاجعه‌ای راهبردی، گاه یا زیر پا گذاشتن ماهیت معمول طبقاتی‌اش، اقداماتی را در پیش گیرد که هم اقتدارگرایی‌تر و هم به‌طور کلی هدفمندتر و واقع‌نظم‌تر از شرط مرسوم فرآ سیده است، که در عین باقی ماندن در چارچوب نظم اجتماعی مستقر، هدفی جز مهار اپیدمی -یا با وام‌گیری دوباره از استعاره مکرون، پیروزی در جنگ- با بالاترین درجه اطمینان ندارد. این موضوع اصلاً شوخی‌بردار نیست و در واقع ضرورتی تحمل‌شده به‌واسطه انتشار زنده‌ای مرگبار در تقاطع نظم اقتصادی (نقش برجسته دانشمندان در این قضایا) و تعظیم نظامی (مداخله اقتدارگراییه و گریزناپذیری دولت) است.

در بچوجه این تلاش‌ها، بروز برخی خلاهای جدی امری اجتناب‌ناپذیر است. مثلاً نبود ماسک‌های محافظتی یا عدم آمادگی لازم برای ارائه خدمات در دوره ای‌زولاسی بیمارستانی را در نظر آوریم، اما چه کسی می‌تواند به‌راستی به خود‌بالد که چنین پدیده‌ای در پیش‌بینی کرده است؟ حقیقت دارد که دولت از جهانی هیچ اقدامی برای پیشگیری از وضعیت کنونی انجام نداده است. حتی می‌توان چنین مدعی شد که در عوض با ده‌ها تضعیف نظام بهداشت و سلامت ملی، در کنار سایر بخش‌های دولت که باید در خدمت منافع عمومی بودند، چنان عملکردی از خود به‌جای گذاشته که گویا هیچ پدیده‌ای مشابه یک همه‌گیری خانمان‌سوز نمی‌تواند کشورمان را تحت تأثیر قرار دهد. تا به اینجا، دولت به‌شدت سزاور سرزنش است؛ آن‌هم نه فقط در قامت دولت مکرون، بلکه در هیئت همه اقابت که در دست‌کم در ۳۰ سال گذشته پیش از او زمام قدرت را در دست داشته‌اند.

اما این نکته هم حقیقت دارد که شاید جز شمار معدودی از دانشمندان، هیچ‌کس دیگری ظهور این نوع از یک بیماری همه‌گیر را در فرانسه پیش‌بینی نکرده یا حتی متصور نشده بود. احتمالاً بسیاری بی‌وقفه محول شده است. این بداشتند که این دست پدیده‌ها مناسب حال آفریقای سیاه یا چین تمامیت‌خواه است و نه اروپای دموکراتیک. در این بین، بدون شک چپ‌گراها -یا جلیقیه‌زرها یا حتی فعالان اتحادیه‌های کارگری- نیز هیچ حق بخصوصی برای سخنرانی و موعظه در این-باره و ادامه جاروجنگ‌ها درباره مکرون، این هدف ناچیز و بی‌ارزش‌شان در چند صباح اخیر، ندارند چراکه آنان هم مطلقاً نتوانستند چنین روزهایی را پیش‌بینی

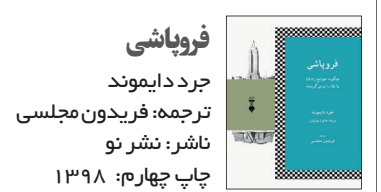
منبع: ورسو



فروپاشی: داستان گذشته و آینده‌ما

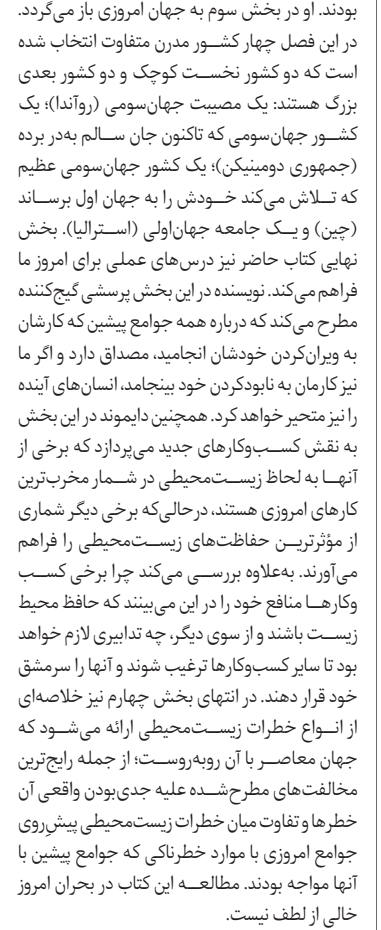
● جرد میسون دایموند، دانشمند و متفکر آمریکایی و استاد جغرافیا و فیزیولوژی در دانشگاه کالیفرنیا، لس‌آنجلس، است. او علاوه بر آثار علمی و مقالاتی در زمینه‌های محیط زیست، بوم‌شناسی و پرنده‌شناسی چندین کتاب علمی رایج و عامه هم نوشته که شهرتش نیز بیشتر به همین دلیل است. مطالعه آثار دایموند در این روزها که ویروس کرونا به بحرانی عالم‌گیر تبدیل شده است، تصویری کلی از آنچه بر نوع بشر گذشته، به‌دست دهد. او در ایران نیز متفکری شناخته‌شده است و برخی از مهم‌ترین آثارش به فارسی ترجمه شده‌اند؛ از جمله کتاب «فروپاشی: چگونه جوامع راه فنا یا بقا را برمی‌گزینند» (۲۰۰۵) که در آن می‌کوشد الگوی بنیادین قاعده را بیابد و با استفاده از رشته‌ای از روایت‌های فرهنگی و تاریخی نظریه‌های فراگیر و جهانی ارائه دهد. این کتاب به بیش از ۳۱ زبان زنده دنیا ترجمه شده است. دایموند در این کتاب به‌خوبی نشان می‌دهد فروپاشی یک جامعه می‌تواند به دلایلی غیر از مشکلات اقتصادی و سیاسی رخ دهد و عواملی نظیر تخریب محیط زیست، عدم تطبیق‌پذیری با محیط، رشد جمعیت و سوم‌مدیریت کلّی از آنچه بر نوع بشر گذشته، به‌دست دهد. او در ایران نیز متفکری شناخته‌شده است و برخی از مهم‌ترین آثارش به فارسی ترجمه شده‌اند؛ از جمله کتاب «فروپاشی: چگونه جوامع راه فنا یا بقا را برمی‌گزینند» (۲۰۰۵) که در آن می‌کوشد الگوی بنیادین قاعده را بیابد و با استفاده از رشته‌ای از روایت‌های فرهنگی و تاریخی نظریه‌های فراگیر و جهانی ارائه دهد. این کتاب به بیش از ۳۱ زبان زنده دنیا ترجمه شده است. دایموند در این کتاب به‌خوبی نشان می‌دهد فروپاشی یک جامعه می‌تواند به دلایلی غیر از مشکلات اقتصادی و سیاسی رخ دهد و عواملی نظیر تخریب محیط زیست، عدم تطبیق‌پذیری با محیط، رشد جمعیت و سوم‌مدیریت کلّی از آنچه بر نوع بشر گذشته، به‌دست دهد. او در ایران نیز می‌تواند از عوامل فروپاشی جوامع باز این استدلال دایموند باشد.

دایموند در کتاب حاضر از بررسی دلایل فروپاشی فرهنگ‌های پولینزیایی در جزیره ایستر در شیلی به تمدن‌های پروتو آتاسازی و مایا در آمریکا و سرانجام به مهاجرنشینی محکوم به فناء وایکینگ‌ها در گرینلند می‌رسد. این کتاب حساس‌ترین و مهم‌ترین مسائل زیست‌محیطی دنیای کنونی را به صورت داستانی شرح می‌دهد؛ داستانی که آینده‌ای برای بازتاب گذشته است و آینده‌ای سخت را نشان می‌دهد؛ با هشدار جدی بر خطر فروپاشی که داستان گذشته و آینده ماست. دایموند در این کتاب برای درک فروپاشی‌های اجتماعی که سبب ناپدیدشدن محیطی در آنها نشانی داشته است، از روش‌های قیاسی استفاده می‌کند. او در سومین و شناخته‌شده‌ترین کتابش، «اسلحه، میکروب و فولاد»، روش مقایسه‌ای را در جهت خلاف این موضوع به کار برده بود؛ یعنی سرشونت جوامع انسانی در قاره‌های مختلف طی ۱۳ هزار سال گذشته. اما در کتاب «فروپاشی» که بیشتر بر فروپاشی‌ها متمرکز است تا شکل‌گیری‌ها، بسیاری از جوامع گذشته و حال را با یکدیگر مقایسه کرده



که از لحاظ آسیب‌پذیری زیست‌محیطی، روابط با همسایگان، نهادهای سیاسی و متغیرهای بیرونی و درونی با هم تفاوت دارند. هدف نویسنده از ربط‌دادن عوامل متغیر بیرونی به متغیرهای درونی شناسایی تأثیر متغیرهای احتملی است که به فروپاشی‌ها منجر می‌شود.بخش اول کتاب تک‌فصلی طولانی درباره مسائل زیست‌محیطی در جنوب غربی مونتانا است. مونتانا جامعه‌ای امروزی و جهان‌گش است که مسائل زیست‌محیطی و جمعیتی را رسیده است،

سایر جوامع جهان اول واقعی‌تر است. بخش دوم که درباره جوامع باستانی است، با چهار فصل مختصرتر آغاز می‌شود. دایموند در این بخش به جوامعی می‌پردازد که کوچک و پیرامونی به شمار می‌رفتند و برخی جوامع از لحاظ جغرافیایی محصور یا از لحاظ اجتماعی منزوی یا به محیط‌های زیستی آسیب‌پذیر بودند. او در بخش سوم به جهان امروزی باز می‌گردد. در این فصل چهار کشور مدرن متفاوت انتخاب شده است که دو کشور نخست کوچک و دو کشور بعدی بزرگ هستند؛ یک مصیبت جهان‌سومی (روآندا)؛ یک کشور جهان‌سومی که تاکنون جان سالم به‌در برده (جمهوری دومینیک)؛ یک کشور جهان‌سومی عظیم که تلاش می‌کند خودش را به جهان اول برساند (چین) و یک جامعه جهان‌اولی (استرالیا). بخش نهمی کتاب حاضر نیز درس‌های عملی برای امروز ما فراهم می‌کند. نویسنده در این بخش پرسشی‌کیچ‌کننده مطرح می‌کند که درباره همه جوامع پیشین که کارشان به ویران‌کردن خودشان انجامید، صدق دارد و اگر ما نیز کارمان به نابودکردن خود بینجامد، انسان‌های آینده را نیز متخیر خواهد کرد. همچنین دایموند در این بخش به نقش کسب‌وکارهای جدید می‌پردازد که برخی از آنها به لحاظ زیست‌محیطی در شمار مخرب‌ترین کارهای امروزی هستند، درحالی‌که برخی دیگر شماری از مؤثرترین حفاظت‌های زیست‌محیطی را فراهم می‌آورند. به‌علاوه بررسی می‌کند چرا برخی کسب وکارها منافع خود را در این می‌بینند که حافظ محیط زیست باشند و از سوی دیگر، چه تدابیری لازم خواهد بود تا سایر کسب‌وکارها ترغیب شوند و آنها را سرمشق خود قرار دهند. در انتهای بخش چهارم نیز خلاصه‌ای از انواع خطرات زیست‌محیطی ارائه می‌شود که جهان معاصر با آن روبه‌روست؛ از جمله رایج‌ترین مخالفت‌های مطرح‌شده علیه جدی‌بودن واقعی آن خطرها وتفاوت میان خطرات زیست‌محیطی پیش‌روی جوامع امروزی با موارد خطرناکی که جوامع پیشین با آنها مواجه بودند. مطالعه این کتاب در بحران امروز خالی از لطف نیست.



منبع: ورسو